

# آیت الله معرفت؛ احیاگر علوم قرآنی در دوران معاصر

گزارشی از نشست بررسی دیدگاه‌های تفسیری آیت الله معرفت

## احمدعلی افتخاری

**کارنامه کامیاب آیت الله معرفت در قرآن پژوهی**  
دشوار است درباره انسانی سخن گفتن که از اوج نشینان قله معنا بود. آیت الله معرفت، فقیهی برجسته بود که از فراسوی باورهای حاکم بر زمان خود آمد و از افق‌های برتر و فراتر سخن گفت و رسالت خطیر خودش را در جام بلورین قرآن و عترت (ع) یافت و زبان رسا و قلم شیوای خود را برای بیان ارزش‌ها و عظمت‌های نهفته کتاب خدا و سنت و سیره نبوی (ص) به کار گرفت تا کویر جان‌های تشنه و گوش‌های شنوای حقایق ناب را سیراب کند.

این مفسر بزرگ و دانش‌مند نستوه و متوکل با باوری کامل در پرتو پیوند با سرچشمه معارف الهی و کلام سرمدی با آثاری ماندگار و آرا و اندیشه‌های متعالی و خدایش جاودانگی یافت. امیدوارم که قدرشناسان و فرهیختگان در جامعه اسلامی راه این بزرگ‌مرد تاریخ و فرهنگ تشیع را به‌ویژه در حوزه علوم قرآنی و تفسیر، هرچه بیشتر پیوند و به درجات متعالی ارتقا دهند.

بیشتر حوزه فعالیت‌های این مرد بزرگ در ارتباط با علوم قرآن و تفسیر است. لازم است برای آشنایی خوانندگان محترم معرفی اجمالی داشته باشیم که موضوع تفسیر، قرآن کریم و هدفش، فهم مفاهیم قرآن است که از رهگذر آن بتوانیم به مقاصد عالی آن برسیم. و روش‌هایی که مفسران انتخاب

## اشاره

در ایام سالگرد رحلت آیت الله محمدهادی معرفت دو نشست با عنوان «بررسی دیدگاه‌های تفسیری آیت الله معرفت» با حضور «احمدعلی افتخاری»، محقق و مدرس دانشگاه و «زهرة اخوان مقدم» محقق و مدرس در محل خیرگزاری ایکننا برگزار شد. متن حاضر گزارش مشروحی است از آن دو نشست.



آیت الله محمدهادی معرفت

کرده‌اند، معمولاً برای کشف و فهم معانی قرآن کریم است که با بهره‌گیری از این روش‌ها می‌توانیم به اهداف برسیم.



آیت‌الله معرفت تفسیر را به دو بخش تقسیم می‌کرد؛ قسم اول تفسیر مأثور که شامل

تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر روایی و یا تفسیر قرآن به سنت و یا تفسیر قرآن به سخنان صحابه و تابعین است. روش دوم مورد نظر آیت‌الله معرفت، روش اجتهادی است که بر اساس نظر و عقل و استدلال عقلی صورت می‌گیرد.

آیت‌الله معرفت یادآوری می‌کند که این شیوه بر اساس قدرت علمی و فنون علمی مفسران به سبک‌های مختلفی تقسیم می‌شود که شامل سبک‌های مذهبی، کلامی، صوفی (عرفانی، اشاری یا باطنی)، فلسفی، لغوی (ادبی)، تفسیر فقهی یا همان آیات الاحکامی، تفسیر جامع و تفسیر اجتماعی است. البته تقسیم‌بندی وی نسبت به بخشی از محققانی که در این وادی کار کرده‌اند، بسیار کامل و جامع است. اگرچه ایرادات و انتقاداتی هم در این باره مطرح است.

در ارتباط با تفسیر قرآن به قرآن، آیت‌الله معرفت معتقد است که این روش دو شیوه دارد، نخست این که اگر آیه‌ای در موضعی مبهم باشد و در موضع دیگر قرآن بیان شده باشد و هر دو آیه با هم تناسب معنایی و لفظی داشته باشند، می‌توانیم بررسی کنیم.

آیت‌الله معرفت آیات شب قدر را مثال می‌زند که آمده است قرآن را در شبی مبارک؛ یعنی در لیلة القدر مباح رمضان نازل کردیم، و استناد می‌کنند که این آیه با آیات دیگر روشن می‌شود و ما می‌توانیم به نتیجه برسیم. ایشان معتقد است دسته‌ای از آیات هستند که ارتباط ظاهری، لفظی و معنوی ندارند، مورد ابهام را نمی‌توانند برطرف کنند، اما می‌توان از این آیات در رفع ابهام آیه دیگر شاهد آورد.

ایشان به آیات مورد نظر و به آیه «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا...» (آیه ۳۸ سوره مائده) و به حکم امام جواد(ع) در مورد قطع دست دزد اشاره می‌کنند که امام(ع) فرمودند: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ» و استناد می‌کنند که منظور از قطع دست، قطع انگشتان دست دزد است، نه قطع دست کامل؛ زیرا کف دست یکی از مواضع سجود است و این برای خداست و آن چیزی که برای خداست، بشر نمی‌تواند آن را قطع کند.

آیت‌الله معرفت در مورد اخباری که وارد شده است، در

تفسیر روایی توجه دارد. هم‌چنین وی در مورد حجیت خبر واحد در تفسیر، پس از مقدمه مفصلی که بیان می‌کند و جواب آیت‌الله خوئی را که بیان می‌کند که خبر واحد را علم تعبدی گرفته‌اند، نه تعبد به عمل، می‌دهد و می‌نویسد: «حجیت خبر واحد مستند به سیره و بنای عقلا است و عقلا خبر واحد را ثقه و اطمینان‌بخش و دلیل علمی می‌دانند و در تمامی موارد به آن ترتیب اثر می‌دهند، مگر آن که خللی در آن خبر آشکار شود».

آیت‌الله معرفت سپس می‌نویسد: «از این رو تمامی احکام و سنن شریعت را که تفسیر مجملات قرآن است، تفسیر این آیات به حساب می‌آید و با خبر واحد جامع‌الشرایط به دست ما رسیده است، می‌پذیریم و آن را معتبر می‌دانیم، مگر خبری که به عللی به لحاظ سند یا سستی محتوا در آن مشهود باشد، که در آن صورت اعتبار ندارد.» بسیاری از شاگردان آیت‌الله خوئی نیز در کتاب شناخت قرآن همین دیدگاه آیت‌الله معرفت را انتخاب کرده و پذیرفته‌اند.

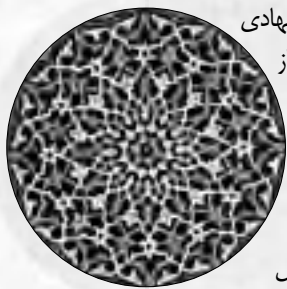
آیت‌الله معرفت می‌گوید تفسیر عقلی یا اجتهادی

چون تکیه‌اش بر عقل و استدلال است، بیشتر از آن که بر نقل و آثار تکیه کند، تا معیاری بر نقد و پالایش داشته باشد، دلالت بر عقل رشید و رأی درست دارد. وی دگراندیشی‌های تفسیر تابعان را اجتهاد در تفسیر با تکیه بر تفسیر عقلی دانسته و می‌گوید: «آنان که در مسائل

قرآنی که به معانی صفات و اسرار آفرینش و احوال پیامبران و مثل آن‌ها بازگشت می‌کنند، اعمال نظر می‌کردند و آن‌ها را بر روش عقل عرضه می‌کردند و طبق حکم عقل رشید حکایت می‌کردند و چه بسا آن‌ها را به آن چه موافق فطرت سالم است، تأویل می‌کردند».

ایشان در این رابطه به مدرسه مکه ابن عباس و مدرسه کوفه ابن مسعود به عنوان پیش‌گامان این روش اشاره می‌کنند و مثال‌های متعددی را از تفسیر عقلی و اجتهادی آنان می‌آورد و می‌افزاید که تفسیر عقلی بعد از این‌ها به‌ویژه نزد معتزله و کسانی که راه آن‌ها را می‌رفتند که عقل را بر ظواهر نقلی مقدم می‌شمردند، رواج پیدا کرد و در هر یک از این تفسیرها و دیدگاه‌هایی که عرض شد با توجه به آرا و نظریات دیگران آیت‌الله معرفت نقدهایی داشته است.

درباره دیدگاه آیت‌الله معرفت در مورد تفسیر علمی گفتنی است، آیت‌الله معرفت در این باره می‌گوید: شریعت درس علوم طبیعی نیست و قرآن به ذات کتاب علم نیست، مگر





این رویکردها را یکسان بیان‌گاریم و داوری واحدی را درباره آن‌ها داشته باشیم.

برخی در این راه افراط کردند و به راه تفسیر به رأی و تأویل‌های بی‌دلیل افتادند، اما برخی از باطن قرآن بر اساس ضوابط صحیح استفاده کرده‌اند. آیت‌الله معرفت به روش صحیح باطنی قرآن کریم معتقد بود. طبق احادیث و به فرموده پیامبر اعظم (ص) قرآن ظاهر و باطنی دارد، بلکه بطن‌های متعددی دارد. عده زیادی شاید به تفسیر ظاهری آیات بدون توجه به بطون آیات پرداخته باشند و بر اساس قرائن و ضوابطی که انجام می‌دهند، اگر تفسیر باطنی‌شان صحیح انجام گیرد، تفسیرشان بسیار خوب و صحیح است. وی با توجه به شیوه‌ای که برگزید، همان راهی را که حضرت امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی رفته بودند را رفت و در تفسیرش تأیید کرد که قابل قبول است. در ارتباط با به دست آوردن مراحل بطن و تأویل آیات، آیت‌الله معرفت معتقد است که مراحل صحیح پی بردن به بطون قرآن عبارت است از جویا شدن هدف آیه، سنجیدن هدف آیه با ویژگی‌های ذکر شده در متن آیه و آن چیزی که در تحقق یافتن هدف دخالت کند.

ایشان معتقد است اگر این موارد را نادیده بگیریم، مفهومی عام از بطن آیه برداشت می‌شود که مستقیماً در راستای هدف آیه قرار دارد و از ویژگی‌های ذکر شده در مورد آیه فراتر می‌رود و در موارد مشابه نزول آیه در هر زمان و مکان قابل تطبیق است. معیار صحت و درستی این برداشت در این است که مفهوم عام مستخرج از بطن آیه به گونه‌ای باشد که نزول آیه یکی از مصداق‌های شاخص آن مفهوم عام شود.

اشارت‌هایی گذرا در کنار مطالب اصلی حکمت، هدایت، تربیت و ارشاد دارد که به بعضی از اسرار وجود اشاره می‌کند، اما این به نحو اجمالی و غامض بیان شده است، به طوری که علمای راسخ در علم این اشارت‌ها را درک می‌کنند.

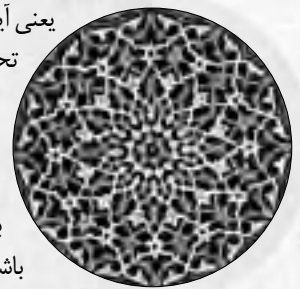
درباره دیدگاه آیت‌الله معرفت درباره نسخ نیز گفتنی است، استاد معرفت معتقد است که برای منسوخ باید شرایطی فراهم باشد از جمله این که حکم شرعی باشد، نه حکم عقلی، استدلالی و اجتهادی؛ دوم این که محدود به زمان معینی نباشد؛ یعنی این که ظهور در استمرار داشته باشد. همچنین باید متأخر از حکم اول باشد، تشریح آن از طرف شارع باشد، نه از عقل و اجماع.

دلیل سوم منسوخ به هم‌سانی و به همان دلیل منسوخ باید باشد، نه دلیل دیگری. همچنین برای ناسخ شرط‌هایی وجود دارد که باید شارع حکیم باشد که خداوند و پیامبران و ائمه معصومین (ع) هستند. نسخ تنها به حکم تعلق می‌گیرد نه به لفظ آن، آن چیزی که رفع می‌شود، حکم است نه لفظ آیه؛ یعنی آیت‌الله معرفت معتقد است نسخ تلاوت نوعی تحریف قرآن است.

ایشان با توجه به این که ضرورت تلاش فرهنگی را در زمینه علوم قرآن دید، بدون این که به فقه، اصول و دیگر علوم متداول بپردازد و توجه مبرمی به این مسائل داشته باشد، به علوم و تفسیر و بیان حقایق قرآنی و آموزه‌هایی که جامعه بدان‌ها نیاز داشت و کمتر در این مورد کار شده بود، پرداخت. وی با توجه به مقتضیات زمان و مکان و با توجه به این که این مسائل مغفول مانده بود، چه در زمانی که در نجف اشرف بود و چه در زمانی که به ایران آمد، به حوزه علوم قرآن پرداخت.

آیت‌الله معرفت بر این باور است که نسخ در احکام دینی مجازی است و ظاهری، نه واقعی که در این صورت مستلزم جهل و عدم علم خداوند نسبت به مسائل و مفاصد جهان است.

در ارتباط با تفسیر اشاری، آیت‌الله معرفت مثل علامه طباطبایی معتقد است که این تفسیر تاریخچه‌ای بس کهن دارد و به قرن دوم و سوم هجری بر می‌گردد. این نوع تفسیر از زمانی که فلسفه یونانی به زبان عربی ترجمه و وارد فرهنگ اسلامی شد، در طول تاریخ فراز و نشیب‌هایی را داشت و مفسران با توجه به مذاهب مختلف اسلامی و عرفا و صوفیه هر کدام به گونه‌ای به این تفسیر پرداختند که نمی‌توان همه



اگر چنین نباشد و با ظاهر تنزیل تناسب نزدیکی نداشته باشد، چنین استخراج و استنباطی نادرست است و از قبیل تأویل باطل و تفسیر به رأی خواهد بود. همانند علامه طباطبایی و حسن عباس ذکی، آیت‌الله معرفت نیز این موارد را پذیرفت و این دو شرط و ضابطه را برای تأویل و بطن صحیح آورد.

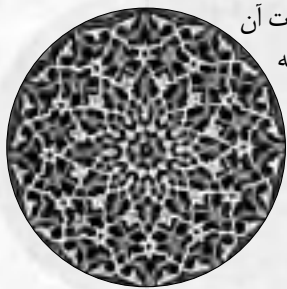
در ارتباط با تفسیر باطنی و صوفیه، آیت‌الله معرفت تفسیر اشاری را پذیرفت. این نوع تفسیر دو نوع است؛ تفسیر صوفی نظری و تفسیر صوفی فیضی که در هر دو قسمت آیت‌الله معرفت دیدگاه‌های ذهبی را رد کرد و برایش قابل قبول نیست. همین اهمیت‌هایی که از دیدگاه‌های آیت‌الله معرفت عرض شد، قابل تأمل است که بتوانیم در این حوزه از نظریات بلندش استفاده کنیم و بهره‌مند شویم. یکی از آثار مدون آیت‌الله معرفت در زمینه روش‌های فراگیر و گرایش‌های تفسیری کتاب التفسیر و المفسرون است که بسیار اهمیت دارد و مطالب متنوعی را در زمینه گرایش‌های تفسیرش، از جمله گرایش‌های ادبی، اجتماعی و علمی دارد و عمده دیدگاه‌های بکرش در ارتباط با علوم قرآنی در این کتاب مطرح شده است. وی می‌گوید که علوم قرآنی به دو گونه است؛ یکی علم درونی قرآن است که به آن علوم قرآن می‌گویند که شامل فقه، مسائل اعتقادی، کلامی، توحید و... است. هم‌چنین علم بیرونی یا علوم قرآنی که در ارتباط با وحی، اعجاز، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و مسائل این چنینی صحبت می‌کند که در علوم قرآنی به تاریخ نزول قرآن کریم و اعجاز‌های مختلف توجه دارد که با توجه به روش تفسیری‌اش می‌گوید که باید توجه کنیم که این آیات با هم ارتباط ظاهری دارند یا بدون ارتباط ظاهری هستند، در تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر مآثور لازم است که این توجهات را داشته باشیم.

ایشان می‌گویند که شرط و دلیل ناسخ این است که شارع حکیم باشد که خداوند و پیامبران و ائمه (ع) هستند و نسخ تنها به حکم تعلق می‌گیرد، نه لفظ آن. آن چیزی که رفع می‌شود، حکم است نه لفظ آیه، یعنی نسخ تلاوت نوعی تحریف است. نکات قابل توجه دیگر آیت‌الله معرفت در ارتباط با نسخ این است که وی از جمله کسانی است که معتقد است نسخ به این معنایی که بسیاری از بزرگان معتقد هستند در قرآن صورت نگرفته است؛ چون نسخ به معنای لغوی عبارت است از اضافه و تغییر و ابطال و جایگزینی چیزی به جای چیز دیگر؛ مثلاً می‌گوییم نسخ کتاب؛ یعنی با مقابله کتاب را نوشت و... نسخ گاهی به معنی اضافه و گاهی هم به معنای اثبات ضد

آن در اصطلاح آمده است، اما در معنای دیگرش که انتقال و تحویل هست، به معنای این است که چیزی به جای چیز دیگر قرار گیرد. آیت‌الله معرفت معتقد است که نسخ شرطی دارد که اولاً باید منسوخ حکم شرعی باشد، دوم این که دلیل رفع حکم دلیلی شرعی باشد و سوم این که دلیل رافع متأخر از دلیل اول باشد و چهارم این که میان دلایل اول و دوم تعارض حقیقی وجود نداشته باشد و برای منسوخ و ناسخ هم شرایطی را مد نظر دارد.

او در اقسام نسخ می‌گوید که اول نسخ تلاوت و حکم است که روایتی از عایشه نقل شد که با حکم ۵ بار «عشر رضعات معلومات یحرمن» نسخ شده است. نسخ تلاوت به حکم را نداریم که مستلزم اعتقاد ما به تحریف قرآن خواهد بود که این هم ضمن این که خداوند در قرآن کریم به حفاظت از قرآن اشاره می‌کند و دلایل و شواهد دیگر نمی‌توانیم بپذیریم که این نسخ درباره قرآن صورت گرفته است.

دوم این که نسخ تلاوت بدون حکم است که عده‌ای معتقد هستند که در سوره نور آیه رجم بوده که تلاوت آن نسخ شده است، ولی حکم آن باقی است که این هم باطل است؛ چون مایه تحریف خواهد بود که نمی‌توانیم تلاوت را نسخ کنیم، ولی حکم آن باقی مانده باشد. سوم نسخ حکم بدون تلاوت است که تنها موردی است که اتفاق افتاده است.



آیت‌الله معرفت معتقد است که نسخ بر سه گونه

است؛ نسخ حکم از طریق قرآن به قرآن، دوم از طریق قرآن به خبر متواتر و سوم از طریق قرآن به خبر واحد که از طریق قرآن به خبر واحد چنین نسخی اتفاق نیفتاده است؛ مثلاً سیوطی معتقد است که ۲۱ مورد نسخ در قرآن داریم، علامه شعرانی معتقد است که ۵ مورد نسخ داریم و آیت‌الله خویی می‌گویند که ۱ مورد نسخ داریم و آیت‌الله معرفت نیز همین یک مورد را پذیرفت.

## زهرة اخوان

### آیت‌الله معرفت احیاگر علوم قرآنی

بزرگ‌داشت عالمان و متفکران و مؤلفان در حقیقت بزرگ‌داشت علم، اندیشه، تفکر و قلم است؛ یعنی جدا از شخص مورد نظر، خود این کار اهمیت دارد، اگر این عالمان، اندیش‌مندان و مؤلفان در حوزه علوم قرآن باشند به قول معروف نور علی نور خواهد بود.



درون دینی هم مغفول مانده، اما کارهای موازی و غیر ضرور هم زیاد وجود دارد. به قول معروف بعضی از دانشمندان با نیازهای زمان حرکت نمی کردند، وقایع و جریانها را تحلیل و خاستگاه آن را بررسی نمی کردند؛ لذا

می بینیم که وقایع و مشکلات در طول تاریخ برای ما تکرار شده است؛ چون ریشه های آن بررسی و سنجیده نشده و در نتیجه در طول زمان، آنها تکرار شده است.

وقتی مقدمات این مسائل فراهم و رشد کرد، کسی آگاهی نداشت که این مقدمه موجب وقوع اتفاقات ناگوار می شود تا جلوی آن را بگیریم، اگر دقت در خاستگاهها می کردند، این مشکلات مجدداً برای ما تکرار نمی شد؛ لذا می بینیم که در درون شیعه و یا در درون حوزه اسلام به طور کلی با مشکلاتی دست به گریبان هستیم که علت آن فقط عدم شناخت است، وقتی بحران به وجود آمد، ضربه خوردیم و زمانی که بیدار شدیم، متوجه شدیم که دشمنان کلی پیشرفت کردند و به هدف خود نزدیک شدند. در این موقع به تلاش پرداختیم و به مقابله برخاستیم و بیشترین نیروی ما صرف جبران خسارتها شده است، به جای این که صرف پیشرفت شود.

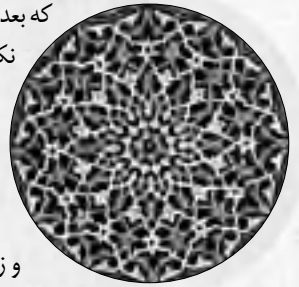
لذا شناخت زمان و دریافتن نیازهای روزگار و فهمیدن نیاز و درد مخاطب و آن گاه نوشتن و تألیف کتب بسیار مهم است و آیت الله معرفت این گونه بودند، به عنوان مثال در همه دوره ها شیعه فقه پویایی داشته است و علمای برجسته شیعه در این عرصه قدم های زیادی برداشتند، اما متأسفانه از حوزه های دیگر غافل شدیم؛ یعنی همه توان صرف فقه شده است.

آیت الله معرفت با درک این نیاز و خلأ و با برطرف کردن این مشکل با توجه به این که مجتهد مسلم بود، به نگارش رساله عملیه پرداخت و وارد عرصه علوم قرآن و برطرف کردن و حل کردن مشکلات و خلأهای این عرضه شد. مشکلات و شبهه های زیاد و خیلی جدی داریم که کیان اسلام را به خطر انداخته است که باید حل شود.

مشکلات زیادی در حول قرآن کریم، امامت، زیارت، ادعیه، مسائل اجتماعی، به خصوص مسائل زنان و... داریم که باید حل شود، اکنون نیاز و ضرورت جامعه در حل این مسائل است که آیت الله معرفت برای حل این گونه معضلات وارد عرصه شد و واقعا در حد توان خود از عهده کار هم برآمد. مطالعات علوم قرآنی در حوزه های شیعه در حد مطلوبی

تکریم این افراد به نوعی تکریم و بزرگداشت قرآن، دین و مکتب تشیع است و پاس داشت این افراد، به پاس داشت حرمت دین منتهی می شود. امیدوارم که با شناخت و ارج گذاشتن به این افراد که عمر خود را صرف دین و قرآن و دانش و علم کرده اند، از کسانی باشیم که امیرالمؤمنین در خطبه ای در موردشان فرمودند: «مواظب باشید که جامعه شما جامعه جاهلی نباشد»، و از نشانه هایی که در مورد جامعه جاهلی معرفی کردند این بود که فرمودند: «عالمان ملجم (دهان بسته) و جاهلان مکرم هستند». امیدواریم که با بزرگداشت این گونه عالمان جامعه ما به سوی پیشرفت حرکت کند و این گونه بزرگداشتها قبل از وفاتشان انجام گیرد.

ویژگی هایی در شخصیت آیت الله معرفت می بینیم که اکنون مطرح می کنم. وی از دانش آموختگان کربلا و نجف بود که سالیان زیادی از محضر علمای این دو حوزه مشهور کسب علم کرد، از نظر فقهی مجتهد مسلم بود و به دلایلی که بعداً عرض خواهیم کرد، به نشر رساله عملیه اقدام نکرد و تمام عمر خودش را وقف علوم قرآنی کرد. ویژگی های شخصیتی جالب و منحصر به فردی داشت که در بین دانش مندان کشور کم است، اولین مورد که از دیگر جنبه های شخصیت او بیشتر است، شناخت کامل زمان و زمانه بود.



واقع نگری نسبت به حساسیت های موجود از صفات شخصیتی مهم آیت الله معرفت بود، وی حساسیت های زمانه را درک می کرد و نگاه صحیحی به این حساسیتها داشت، احساس به این نیازها و هم چنین عدم نیازها را درک می کرد. این کار خیلی مهم است، گاهی وقتها ممکن است کسی نیازها را درک کند، اما عدم نیازها را درک نکند و به کناری نگذارد و در نتیجه توان او تحلیل می رود.

صرف وقت و توان بر سر نیازها و عدم نیازها باعث تحلیل توان او می شود، آیت الله معرفت با درک شناخت زمانه و درک نیازها و عدم نیازها تمام توان خود را صرف نیازها می کرد و نکته جالب این است که وقت خود را صرف عدم نیازها نمی کرد، اما دانش مندان زیادی داریم که اگر چه ممکن است از مفاخر باشند، به دنبال علایق خود بودند و یا به کار تکراری و موازی با دیگر دانشمندان می پرداختند و به نیازها و مسائل بکر و دست نخورده نمی پرداختند تا خلأها را پر کنند.

نیازهای درون مذهبی بسیار مهم است، حتی نیازهای



آیت‌الله معرفت تنها کسی بود که به طور عمده همه توان خود را روی این حوزه گذاشت.

حتی برای اولین بار مستشرقین در بسیاری از حوزه‌های علوم قرآن وارد شدند و به نگارش و تألیف آثار پرداختند، که با توجه به اینکه منابعشان از اهل سنت بود و به خاطر مسائل دیگر، کارهایشان با اشکالات بسیاری روبه‌روست.

آیت‌الله معرفت با اخلاص بعد از درک

این موضوع که علوم قرآنی بخش و حوزه مغفول‌مانده‌ای است وارد این عرصه شد و به پر کردن عرصه‌های خالی پرداخت. این محقق و نویسنده در ادامه سخنانش تواضع و ادب و شیفتگی به اهل بیت(ع) را از خصلت‌های مهم آیت‌الله معرفت دانست و در این باره گفت: آیت‌الله معرفت مرزبان جهان تشیع بود.

وی با شناخت کامل و مطالعه خوب به نگارش کتاب‌های مهمی مانند شبهات و ردود و التفسیر و المفسرون پرداخت و به شبهات مطرح شده در مورد قرآن و تفاسیر شیعه پاسخ گفت که این امر را تکلیفی برای خودش می‌دانست.

مگر ممکن است کسی به دنبال حق و حقیقت و قرآن برود و از اهل بیت(ع) دور باشد. آیت‌الله معرفت معتقد بود که مشکلات جهان اسلام ناشی از دوری از معارف اهل بیت(ع) است. وی در تفسیر الاثری الجامع در صدد این بود که ارجحیت و برتری مطلق میراث تفسیری اهل بیت(ع) را بر میراث تفسیری دیگران نشان دهد.

آیت‌الله معرفت در این باره دارای نوآوری‌های بود که باعث شد تفسیر او از دیگر مفسران متمایز باشد، اگرچه وی مؤفق نشد کار تفسیر الاثری الجامع را به پایان ببرد، اما شاگردان و تیم تحقیقاتی او در انجام این کار کوشا هستند تا آرزویش برآورده شود.

قرار نداشت، در این حوزه اهل سنت و حتی مستشرقان کارهای مهمی انجام داده بود و چندین کتاب علوم دین و قرآنی برای اولین بار توسط مستشرقان منتشر شد که در ادامه بیشتر توضیح می‌دهم. معمولاً قبل از این که بیماری و شبهه به حدی برسد و قبل از این که عمومی شود و به پیکر اسلام ضربه بزند، باید بیدار بود و به حل و پیشگیری از آن پرداخت. مثلاً در حوزه حدیث از اهل سنت بسیار جلو هستیم؛ چون در صد سالی که آن‌ها منع حدیث داشتند، شیعه این وقفه را ندارد و با منابع پیوسته روبروست. به برکت اهل بیت(ع) در نقل حدیث شیعه فاصله‌ای نیفتاده است، اما اهل سنت حدود ۹۰ سال در نگارش حدیث‌شان فاصله افتاده است. بعد از این فاصله در زمان عمر بن عبدالعزیز از خلفای بنی‌امیه دستور نگارش حدیث صادر شد.

آیت‌الله معرفت با وجود این که دانش‌آموخته حوزه‌های علمیه نجف و کربلا و مجتهد مسلم بود، به خاطر این که خلأی را در حوزه علوم قرآن مشاهده کرد، فقه و نگارش رساله عملیه را کنار گذاشت و همه همش را صرف مباحث علوم قرآنی کرد.

آیت‌الله معرفت با درک درست زمانه به تحلیل مسائل روز و با دقت نظر و شناخت وسیع به مسائلی که مورد نیاز بود می‌پرداخت و از درگیر شدن و پرداختن به مسائلی که مورد نیاز نبود دوری می‌کرد.

شناخت درست نیازهای زمانه و درک درد و نیاز مخاطب یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آیت‌الله معرفت بود که وی با درک درست این نیازها نگارش کتاب‌هایش را به موضوعاتی اختصاص می‌داد که خلأیی در آن حوزه بود یا این که با نگارش این کتاب‌ها مشکلی را حل و یا شبهه‌ای را دفع کند. فقه شیعه همیشه به این معروف بوده که پویا است و بنابر این آیت‌الله معرفت نیازی ندید که وارد این عرصه شود و به مباحث و موضوعاتی که مغفول مانده بود، پرداخت. علوم قرآنی در حوزه‌های علمیه شیعه بحث مغفولی بود که در این باره آثار در خور توجهی نگاشته نشده بود و آیت‌الله معرفت را باید احیاگر علوم قرآنی معرفی کرد.

علوم قرآنی معمولاً مورد توجه علمای جهان اسلام نبوده تا این که در قرن هشتم علمای اهل سنت مانند زرکشی، سیوطی و بعدها زرقانی و ... به این موضوع پرداختند و کتاب‌های مهمی نوشته شد. از قرن هشتم تا قرن چهاردهم، در میان شیعه هیچ اثر جامعی در حوزه علوم قرآنی نوشته نشد. بعدها علامه بلاغی به این کار پرداخت، اما می‌توان گفت